



## انتظارات راویان راهیان نور از روایت دفاع مقدس

تهیه و تنظیم: امیرمحمد حکمتیان\*

چکیده	<p>جنگ هشت ساله، عراق علیه ایران، بخش مهم و سرنوشت‌سازی از تاریخ این مرزوبوم می‌باشد. حاضران در این جنگ و کسانی که در این زمینه مطالعاتی انجام داده‌اند، از همه حوادث و جزئیات این جنگ مطلع نیستید؛ برخی اطلاعات بیشتری دارند و عده‌ای کمتر. راویان پس از دفاع مقدس نیز جنگ را براساس منابع نوشتاری و شنیداری روایت می‌کنند؛ از همین رو، روایت‌ها درباره یک حادثه متفاوت است. اما موضوع اساسی مطرح این است که سبک و روش و محتوای روایت‌ها بایستی چگونه باشد؟ چه مباحثی باید در روایت‌ها مورد توجه قرار گیرد و چه موضوعاتی نباید مطرح شود؟ نقاط ضعف و قوت روایت‌ها کدام‌اند؟ برای پاسخ به این سؤالات، راویان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در مأموریت سفر به مناطق عملیاتی همراه با کاروان‌های راهیان نور در سال ۱۳۹۳، مصاحبه‌هایی را با راویان انجام داده‌اند و از آنان در مورد شیوه روایتگری، محتوای روایت‌ها، نقاط ضعف و قوت روایت‌ها، امکانات و کمبودهای راویان سؤالاتی پرسیده و راویان محترم نیز به این پرسش‌ها پاسخ داده‌اند. متن زیر، تدوین مصاحبه‌های انجام شده می‌باشد. <b>واژگان کلیدی:</b> تاریخ دفاع مقدس، روایت راهیان نور، راویان، یادمان‌های دفاع مقدس</p>

همان اوایل تشکیل راهیان نور، در خدمت خانواده شهدا و بازدیدکنندگان بوده‌ام. سابقه جبهه ندارم، اما سابقه حضور در مناطق عملیاتی را داشته‌ام. در استان خوزستان و در مناطق شمال غرب روایتگری کرده‌ام.

**حسن حسن‌نیا\*\*\*\*:** بسم الله الرحمن الرحيم. حسن حسن‌نیا هستم، از استان گیلان، شهرستان رودسر هستم. تا سال ۱۳۵۸، تحت عنوان بسیج ملی فعالیت می‌کردم. حدود ۳۶ ماه سابقه جبهه و ۵۰ درصد هم جانبازی دارم.

**حاج آقا ماندگاری\*\*\*\*:** بسم الله الرحمن الرحيم. بنده در خرداد سال ۱۳۶۰، سال سوم دبیرستان بودم که در مشهد آموزش نظامی دیدم و در ۲ تیر ۱۳۶۰، اولین اعزام ما به منطقه حمیدیه و اهواز انجام شد و در تپه‌های الله‌اکبر، مستقر شدیم و تا پایان جنگ هم به جبهه‌ها رفت‌وآمد داشتیم و بیشتر تماشای جبهه‌ها بودیم.

۲. آیا برای روایتگری دوره‌های آموزشی خاصی را طی کرده‌اید؟

۱. لطفاً خودتان را معرفی کنید و درباره سابقه خود در سپاه یا بسیج و مدت حضور در جبهه توضیحاتی بفرمایید.

**روح‌الله رجایی\*\*:** بسم الله الرحمن الرحيم. من روح‌الله رجایی از استان همدان هستم. ۲۸ ماه سابقه حضور در جبهه دارم که از طریق سپاه پاسداران و به‌عنوان بسیجی عازم جبهه شدم. آن موقع، ما با بچه‌های دبیرستان اعزام می‌شدیم که اعزام ما از سال اول دبیرستان شروع شد و تا سال چهارم دبیرستان ادامه داشت. در واقع، من در همان زمان جنگ دیپلم را گرفتم. عملیات‌هایی که در آنها حضور داشتم عبارت‌اند از: عملیات کربلای ۵ در سال ۱۳۶۵، در منطقه شلمچه؛ عملیات کربلای ۴؛ عملیات والفجر ۸ در فاو و یک عملیات هم در سال ۱۳۶۲ در غرب کشور، به نام تحریرالقدس.

**سرهنگ محمدرضا بیگی\*\*:** بسم الله الرحمن الرحيم. سرهنگ دوم خلبان محمدرضا بیگی هستم. از ستاد فرماندهی هوانیروز ارتش، از تهران اعزام شده‌ام و سال‌های قبل، چند بار از کرمان عازم یادمان‌های کشور شده‌ام. بنده افتخار بیش از ۱۰ سال خدمت در خوزستان را دارم و از

\* کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل و کارشناس تاریخ شفاهی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

\*\* مصاحبه با روح‌الله رجایی در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۴ در یادمان شلمچه، توسط امیرمحمد حکمتیان انجام شده است.

\*\*\* گفت‌وگو با سرهنگ دوم خلبان محمدرضا بیگی، در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ در یادمان شلمچه، توسط اکبر رستمی انجام شده است.

\*\*\*\* مصاحبه با حسن حسن‌نیا در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ در یادمان شلمچه، توسط امیرمحمد حکمتیان انجام شده است.

\*\*\*\*\* گفت‌وگو با حجت‌الاسلام ماندگاری در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۴ در یادمان شلمچه، توسط آقای محمدجواد اکبرپور انجام شده است.

سال سیزدهم □ شماره پنجاه و سوم □ تابستان ۱۳۹۴



سرهنگ محمدرضا بیگی



روح‌الله رجایی

می‌کنم و در کلاس خاصی شرکت نکرده‌ام، ولی سی‌دی‌های برگزاری کلاس‌های [روایتگری] را از سرداران بزرگوار مثل سردار سرلشکر غلامعلی رشید و دیگر دوستان تهیه کرده‌ام. مطالعات دیگری هم داشته‌ام، اما بیشتر بحث‌های روایتگری من به داشته‌های خودم و عملیات‌هایی که در خدمت دوستان بودم برمی‌گردد.

**حسن‌نیا:** در استان گیلان، در مشهد و در دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup> تهران، دوره‌هایی را گذرانده‌ام. بانی آن دوره، بنیاد حفظ آثار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. دوره‌ها به دو صورت تئوری و عملی برگزار می‌شد. دوره تئوری را در دانشگاه تهران نزد اساتید متعددی مثل آقایان سردار سرلشکر دکتر صفوی و سردار سرتیپ احمد غلامپور و همچنین فرمانده نیروی دریایی سپاه که روایتگری را به ما آموزش می‌دادند، گذرانده‌ام. بعد از دوره تئوری، دوره عملی را در مناطق عملیاتی پشت سر گذاشته و برای گذراندن دوره میدانی، با سرداران و فرماندهان دفاع مقدس به مناطق عملیاتی جنوب آمده و در آنجا آموزش دیدم.

۳. در زمینه دفاع مقدس بیشتر چه آثاری را مطالعه کرده‌اید؟  
رجایی: اول اینکه من برای پیگیری موضوع دفاع مقدس خیلی علاقه‌مند بودم و می‌خواستم بدانم که چه اتفاقاتی در

در یادمان هویزه، توسط آقای محمد محمدپور انجام شده است.

**رجایی:** ما دوره‌های مختلفی را دیده‌ایم. چندین نوبت از طریق بنیاد حفظ آثار استان همدان برای آموزش روایتگری دعوت شدیم. چند دوره کلاس در دانشگاه همدان با مسئولیت و دعوت بنیاد حفظ آثار برگزار شد که در آن شرکت کردیم. همچنین در دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup> تهران دوره‌هایی برگزار شد که در واقع، متولی آنها بنیاد حفظ آثار و مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس بود. علاوه بر این، چندین نوبت هم در باغ‌موزه دفاع مقدس تهران از طریق وزارت جهاد کشاورزی برای آموزش روایتگری دعوت شدیم. بنده علاوه بر کار روایتگری در مناطق عملیاتی، مدرس کتاب آشنایی با معارف دفاع مقدس در دانشگاه هستم که به‌عنوان دو واحد درسی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. در دانشگاه علمی - کاربردی، قریب ۸ ترم است که این درس را تدریس می‌کنم. ضمن اینکه یک دوره روایتگری برای افراد مبتدی و نیروهایی که می‌خواهند روایتگری را شروع کنند نیز داشته‌ام. یک دوره تدریس هم برای راویان شمال غرب کشور انجام داده‌ام.

**بیگی:** سازمان حفظ آثار دفاع مقدس در ستاد ارتش دوره‌هایی برگزار کرده و با توان بالایی به آموزش نیروها اهتمام ورزیده و شروع به تربیت راویان جوان کرده است تا نیروی انسانی پرتوانی در این مناطق حضور داشته باشند. از دوره‌های ارتش و ستاد کل نیروی زمینی نیز استفاده کرده‌ام که بسیار هم مفید بوده است.

**سردار محمود باقرزاده\*:** شش سال است که روایتگری

\* مصاحبه با سردار محمود باقرزاده در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۳



حجت الاسلام ماندگاری



محمود باقرزاده

۴. تاکنون چند بار برای روایتگری به مناطق عملیاتی آمده‌اید و در کدام یادمان روایتگری کرده‌اید؟

**رجایی:** فکر می‌کنم ۵ سالی می‌شود که برای روایتگری در یادمان‌ها مستقر می‌شوم و در این ۵ سال، ۳ سال به شلمچه آمده‌ام و ۲ سال هم در سردخانه ۵ مهر در آبادان مستقر بودم و عمدتاً همان‌جا برای کاروان‌هایی که شب برای استراحت می‌آمدند، روایتگری می‌کردم. به ارون‌کنار هم رفته‌ام و در یادمان عملیات والفجر ۸ برای کاروان‌ها نیز روایتگری کرده‌ام.

**بیگی:** تا جایی که به خاطر دارم، از [زمان اخذ] درجه ستوان یکمی، در این مناطق به‌صورت پیوسته حضور داشته‌ام. من خودم از تک‌تک مناطق بازدید کرده‌ام. از آنجا که در خوزستان خدمت کرده‌ام و به دلیل نوع شغلم، پرواز می‌کردم، از تک‌تک مناطق با توجه به علاقه خودم بازدید کرده‌ام. الان هم افتخار این را دارم که چندین سال است در شلمچه خدمت می‌کنم.

**حسن‌نیا:** حدود ۷ سال است که از استان گیلان به مناطق عملیاتی آمده‌ام. حضور ما در اردوهای راهیان نور متفاوت بوده است؛ از ۱۵ روز گرفته تا این چند سال اخیر که دانش‌آموزان و دانشجویان به مناطق عملیاتی می‌آیند، حدود ۶ ماه هم در مناطق جنوب بوده‌ایم. مدتی هم به مناطق غرب رفته‌ایم. علاوه بر روایتگری در مناطق عملیاتی، در دانشگاه‌ها و حتی در مدارس در ایام دفاع مقدس برای دانشجویان و

دوره دفاع مقدس رخ داده است، چون ما در بطن جنگ بودیم و شاید از خیلی مسائل؛ از جمله اینکه چه محدودیت‌ها و مشکلاتی در زمان جنگ داشتیم، بی‌خبر بودیم. آن موقع ما متوجه آنها نبودیم. چون هم بسیجی کم سن و سال بودیم و هم به‌عنوان یک نیروی رزمنده، شاید خیلی متوجه قضایای پشت پرده نبودیم که چه اتفاقاتی در داخل کشور دارد رخ می‌دهد؛ بنابراین، علاقه‌مند بودم کتاب‌هایی که مراکز مطالعاتی سپاه پاسداران یا کتاب‌هایی که بچه‌های ارتش - مرکز مطالعات ارتش جمهوری اسلامی ایران - چاپ کرده‌اند و حتی خاطراتی که رزمندگان نوشته‌اند را مطالعه کنم.

**بیگی:** کتاب‌هایی که دوستان عزیز ما در سپاه پاسداران تدوین کرده‌اند کتاب‌های جامع و کاملی است و بسیار زحمت کشیده‌اند و کاملاً مشخص است. اطلس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس را دیده‌ام. نقشه‌ها و گزارش عملیات‌هایی که در این اطلس آورده شد، واقعاً مجموعه کاملی است و ان‌شالله بتوانیم بیشتر از این منابع استفاده کنیم.

**حسن‌نیا:** معمولاً راپیان دفاع مقدس کتاب‌های مرکز مطالعات دفاع مقدس و بنیاد حفظ آثار سپاه را می‌خوانند. بیشتر، از کتاب‌هایی که آقای درودیان نوشته است، استفاده کرده‌ام.

**ماندگاری:** طبیعی است یک مرکز آموزشی، پژوهشی و فرهنگی از هر آنچه که موجود است استفاده می‌کند. شاید یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های فرهنگ ایثار و شهادت، کتابخانه خودمان است؛ فقط ۶، ۷ هزار عنوان کتاب دارد.

دانش آموزان روایتگری کرده‌ام.

در فصل خوب آمده‌اند و می‌گویند الآن که هوا این قدر گرم است، تابستان چطوری می‌شود؟ من خودم دوست دارم در مورد تک‌تک رزمندگان اسلام صحبت کنم؛ کسانی که به میهنشان خدمت کرده‌اند و عزیزترین چیز خودشان که جانشان بوده را در راه خدا و حفظ انقلاب و ارزش‌های آن نثار کرده‌اند. دوست دارم در مورد این رزمندگان و شهدا صحبت بکنم

**باقرزاده:** اینکه راویان چه چیزی را در روایت خود بگویند، بستگی به نیاز مخاطبشان دارد. من خودم ترجیحاً در این بحث‌هایی که دارم، روی موضوع فرهنگ جنگ زیاد کار نمی‌کنم و توضیحات مختصری می‌دهم. من بیشتر روی بحث فرهنگ جهاد کار می‌کنم. من در روایت‌های خود بحث‌های فرهنگ جهادی را براساس آیات و روایات مطرح می‌کنم. مصداق‌هایی را از آن زمان دارم و مصداق‌هایی را از انتظارات آن بچه‌ها از امروز دارم و وظایف این کار و بالاخره، عاقبت پیمودن این مسیر که چه چیزی باید باشد. بیشتر در این وادی کار می‌کنم و بیشتر، بحث سیره شهدا را مطرح می‌کنم که اینها بهترین مصداقی است برای جوان امروزی؛ حالا برای دانشجو، از سیره شهدای دانشجو؛ برای کارمند از سیره شهدای کارمند، به نسبت اقتدار، بحث‌هایی [مطرح] می‌کنم. از این بحث‌ها فراوان در هر زمینه و هر قشری داریم. این‌طوری جوان‌های آن روز را به جوان‌های امروز وصل می‌کنیم

**حسن‌نیا:** اصل تلاش همه ما و همکاران ما و همه بچه‌های دفاع مقدس این است که آن مشترکات بین نسل اول و نسل دوم و سوم را به همدیگر نزدیک بکنیم؛ که همان دفاع مقدس است، همان غیرت است همان دین است. همه سعی ما این است که به مخاطبان خود بگوییم که راه شهدا خیلی سخت نیست؛ سهل است، راحت است. آن مشترکات را تقویت می‌کنیم و آن دوران را ترسیم می‌کنیم. امروز به جوان‌ها می‌گوییم شما اگر بودید چه کار می‌کردید؟ یقیناً اینها می‌گویند ما اگر بودیم همان کاری که آنها کرده‌اند را انجام می‌دادیم. ما باید این مشترکات را به همدیگر نزدیک کنیم. وقتی همدیگر را درک کردیم، آن وقت خیلی راحت می‌توانیم به همدیگر پیام بدهیم و پیام بگیریم.

۵. در روایت‌ها بیشتر به چه محورها و موضوعاتی می‌پردازید؟  
**رجایی:** در واقع، سیره و روش شخصی من این است که ابتدا منطقه را معرفی می‌کنم؛ یعنی از نظر جغرافیایی، محلی که در آن قرار داریم را برای بچه‌ها توضیح می‌دهم. بعد اتفاقاتی که در این نقطه رخ داده، عملیات‌هایی که انجام شده و حوادثی که در آن عملیات‌ها اتفاق افتاده را برای بچه‌ها می‌گویم، که بچه‌های ما زیر آتش سنگین دشمن چگونه این منطقه را گرفتند و مقاومت کردند.

من در واقع، شاهد مقاومت بچه‌ها بودم که واقعاً قابل توصیف نیست؛ یعنی هر چقدر بخواهید سختی‌های کار را به شنونده و مخاطب انتقال بدهید، مقدور نیست. ولی در کنار این می‌گویم که بچه‌ها مقاومت کردند و برای اطاعت از دستور ولایت از جانشان گذشتند. آن موقع وظیفه بچه‌ها آن بود که در جنگ سخت و سنگین و حربه‌ای که تمام دنیا علیه ما تدارک دیده بود مقاومت بکنند و الآن هم وظیفه شما اطاعت از رهبری است در هر زمینه‌ای و ما باید این پیام شهدا را بگیریم و منتقل بکنیم

**بیگی:** خودم دوست دارم بیشتر زحماتی را که رزمندگان اسلام در جنگ کشیده‌اند و ناگفته‌های جنگ که شاید نشود در رسانه‌ها عنوان کرد را بگویم؛ چراکه کسانی که می‌آیند دوست دارند هم مناطق را ببینند و هم ناگفته‌های جنگ را بیشتر بشنوند. خوب است در کنار اینها، مداحی و بقیه کارهای فرهنگی هم باشد، اما من بیشتر احساس می‌کنم نفراتی که می‌آیند، تشنه هستند که ببینند اینجا چه بوده، رزمندگان ما در اینجا چه کشیده‌اند و چطوری با دشمنی که تا بن دندان مسلح بوده، جنگیده‌اند. شاید تا حالا تابستان و گرمای خوزستان را حس نکرده باشند و الآن هم که آمده‌اند،

سرهنگ بیگی: اطلس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس را دیده‌ام. نقشه‌ها و گزارش عملیات‌هایی که در این اطلس آورده شد، واقعاً مجموعه کاملی است.

که من از کلام آقا این را استفاده کردم - [این است که] ما یک روایت جنگ داریم و یک روایت گنج روایت جنگ این است که بیاییم بگوییم که در چه سرزمینی عملیات کردیم و با این مشخصات چه عملیاتی کردیم. با این مشخصات چه نتیجه‌ای گرفتیم. ولی گنجینه دفاع مقدس همین فرمول‌های قرآن و روایت است. رسالت ذاتی ما روحانیون تبلیغ فرمول‌های قرآن و عترت است. مأموریت حوزه در روایت، گنج است که از آیات و روایات و معنویات می‌گویند، ولی مأموریت فرماندهان عزیز سپاه، ارتش، بسیج، فرماندهان گردان‌ها،

فرماندهان یگان‌ها و فرماندهان قرارگاه‌ها را باید در مورد جنگ بگویند. البته بچه‌ها [حوزوی‌ها] همان طور که مطالب گنج را به‌اجمال می‌گویند، مطالب جنگ را هم به‌اجمال می‌گویند. ما هم به‌اجمال می‌گوییم، اما رسالت اولیه ما روایت گنج است و رسالت اولیه فرماندهان و رزمندگان، روایت جنگ است. وقتی محضر علما رفتیم، محضر خود حضرت آقا رفتیم، من در محضر آقا سه کلمه گفتم؛ گفتم ما اعتقاد داریم یک مؤمن واقعی کسی است که دین‌دان، دین‌دار و دین‌بان باشد. شهدای ما به مرحله سوم رسیدند.

دین‌دان بودند، معرفت اجمالی خودشان را داشتند. اصلی‌ترین معرفت هم معرفت فهم ولایت است. فهمیدن هر چیزی که ولی فقیه بگوید از همه بالاتر است. دین‌دار هم بودند. بالاترین دین‌داری اقتدا به ولایت است، دین‌بان هم بودند. بالاترین دین‌بانی نگرهبانی از ولایت است. خب بچه‌ها جان خودشان را برای حفظ ولایت، مملکت ولایی، نظام ولایی دادند. ما اسم این سه محور را می‌گذاریم گنج جنگ.

۶. چه پیشنهادی برای بهبود وضعیت روایتگری راویان دارید؟

**ماندگاری:** ببینید، طلبه و مبلغ وظیفه‌اش تبلیغ دین است. تبلیغ دین هم یک فرمول و یک مصداق می‌خواهد. ما تا قبل از آشناسدن با دفاع مقدس و شهدا، فرمول‌های آیات و روایت‌ها را که می‌گفتیم، مصادیقش برای ما اهل بیت بودند و علمای ربانی و مؤمنین و مؤمنات که داستان‌هایشان را یادیده یا شنیده بودند، اما وقتی که در دفاع مقدس قرار گرفتیم، یک قشر خیلی زیبا، قشنگ و جذاب به نام شهدا به مصادیق و مباحث تبلیغ دینی ما اضافه شد. خدا هم در قرآن پنج گروه را کنار هم می‌گذارد (آیه ۶۹ سوره نساء). یعنی هر کس می‌خواهد تبلیغ دین کند، باید از این پنج گروه و مصادیق بیاورد: یکی انبیا؛ یکی صدیقین، یعنی امامان؛ یکی شهدا، یکی علمای صالح و کسانی که اهل اطاعت از خدا و رسول هستند. لذا از همان لحظه‌ای که وارد جبهه‌ها شدیم و جنگ شروع شد، شهدا در تبلیغ دینی ما وارد شدند. طبیعتاً از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۹۳، که الآن در آن هستیم، قریب ۳۳ - ۳۴ سال تبلیغ دینی ما با تبلیغ شهدا و فرهنگ جهاد شهدا عجین شده است. می‌گویند تجربه فوق علم است. این تجربه باعث شد و خدا توفیق داد که ما در بحث روایتگری دقت بیشتر، حضور جدی‌تری و نگاه نظام‌مندتری داشته باشیم و این موضوع سبب گردید که در سال ۱۳۷۷، با عنایت الهی و کمک جمعی از دوستان مثل حاج آقا ضابط - رحمه‌الله علیه - در قم یک مجموعه به نام گروه تفحص سیره شهدا به‌موازات گروه ابدان شهدا راه‌اندازی کنیم که بعد از ثبت رسمی، به مؤسسه فرهنگی روایت سیره شهدا تبدیل شد. این مؤسسه براساس تجربیات بعضی دوستان ما مثل حاج آقا ضابط - رحمه‌الله و حاج آقا فرازی، حاج آقا دیانی، حاج آقا یکتا و دوستانی که دور هم جمع شدیم، به یک مؤسسه آموزشی - پژوهشی برای دوره‌های روایتگری تبدیل شد؛ یعنی روش‌های روایتگری و پژوهش برای محتوای روایتگری، اعزام راویان به مجلس شهدا و کاروان‌ها و راهیان نور از جمله فعالیت‌های این مؤسسه می‌باشد که بحمدالله از سال ۱۳۷۸ تا الآن، ادامه داشته است و ان‌شاءالله ادامه داشته باشد. این فرهنگی که بچه‌ها برایش به شهادت رسیدند، یک رسالت الهی است برای رسانیدنش به نسل بعدی. نهضت ما نهضت اسلامی است. خاستگاه ما حوزه است. آقا می‌فرمایند گنجینه دفاع مقدس -

باقرزاده: اینکه راویان چه چیزی را در روایت خود بگویند، بستگی به نیاز مخاطبشان دارد. من خودم بحث‌های فرهنگ جهادی را براساس آیات و روایات مطرح می‌کنم.

روش‌های روایتگری. روایتگری یک قالبی از تبلیغ است. روایت کردن در یادمان، در قرارگاه، در مقر، در یادواره شهدا، قالب خاصی دارد. روایتگری به مقتضای هر کدام، یک اقتضایی دارد. بخش دیگری از آموزش‌های ما آموزش‌های محتوایی است. پس بخشی از آموزش‌ها روشی و قالبی است. سبک‌ها است و بخش دیگر، آموزش‌های محتوایی است. حالا محتوا، محتوای دین است. [آموزش‌های] محتوایی گنجینه دفاع مقدس است که باز بخشی از این دین است که فرهنگ جهاد و شهادت را تبلیغ می‌کند. یکی محتوای مهدویت است، چون دفاع مقدس در واقع، بستر ساز ظهور محتوایی آن محتواست و یک بخش دیگر هم معارف جنگ است. ما در امر آموزش راویان سه نوع آموزش داریم: یکی آموزش مقدماتی کوتاه‌مدت است و بیشترین آموزش ما تا به حال، این [نوع از آموزش] بوده است. یکی از آموزش‌های ما میان‌مدت است؛ یعنی دوستانی که آموزش می‌بینند، دوره‌های تکمیلی و هم آموزش مقدماتی را می‌بینند. یک آموزش دیگر ما آموزش تربیت مربی است. استاد مربی تربیت می‌کنیم و در حال حاضر، در حال طراحی آموزش دیگری هم هستیم. این [آموزش] بلندمدت خواهد بود البته هنوز راه نیفتاده است و امیدواریم به‌مدد شهدا راه بیفتد. قصد داریم یک رشته فرهنگ جهاد در حوزه نهادینه کنیم که هم از دیدگاه حوزوی و هم از دیدگاه دانشگاهی دو پایگاه حوزوی و دانشگاهی داشته باشیم. طبیعی است هر جا که آموزش باشد، سیستم ارزیابی ضروری است، زیرا اگر سیستم ارزیابی ضروری نباشد نمی‌توان آموزش را به‌روز و بهینه کرد. ما سیستم ارزیابی مان یکی از همان مخاطبانی است که آنجا مجلس را گوش می‌دهند؛ مثلاً در راهیان نور به‌صورت موردی و به‌صورت گزینشی از مخاطبان نظرشان را در مورد روایتگری می‌پرسیم. از مدیران و خادمان کاروان‌ها و از زائران هم نظرشان را می‌پرسیم و اگر ارزیابی‌های حضوری هم مقدور باشد، در جلسه روایتگری راوی آن را می‌گذاریم. خیلی امکانات آنچنانی نداریم، زیرا امکانات بسیار زیادی می‌طلبید، ولی در یادواره شهدا، از میزبانان فرم‌های ارزیابی می‌گیریم و به لطف و عنایت الهی توفیق‌هایی در این زمینه حاصل شده است.

**رجایی:** پیشنهاد من برای بهبود کار راویان این است که راویان حتماً آموزش داده شوند. از بین بچه‌های علاقه‌مند، ایشاگر، فرزند شهید یا جانباز انتخاب شوند. در مرحله اول، از نسل ایشاگران انتخاب شوند. نقاط ضعف‌ها به آنها گوشزد شود و ساماندهی شوند.

**بیگی:** به نظر من، اگر کارگاه‌های آموزشی و کلاس‌های آموزشی تشکیل بشود، خیلی تأثیرگذار است. ارتش کار جالبی کرده است که بچه‌ها را در یک دوره یک‌هفته‌ای در قم جمع کرده و برای آنها برنامه گذاشته است. در مشهد هم این کار انجام شود و راویان جمع بشوند که در آنجا راویان جوان و باتجربه‌ها در کنار هم باشند و از تجربیات همدیگر استفاده کنند و رزمندگانی که در زمان دفاع مقدس بوده‌اند، خاطرات خود را بازگو کنند. تعلیم راویان و تدوین کتب آموزشی بسیار تأثیرگذار است که ان‌شاءالله در آینده، راویان جوان، که به‌هر حال جایگزین نفات قبلی می‌شوند، بتوانند مؤثر باشند.

**باقرزاده:** راویان باید با معلومات کامل و با مطالعه بیابند، چون تطبیق آن روز با امروز و نیاز جامعه امروزی متفاوت است. باید بتوانند درک کنند که امروزش با فردایش چه فرقی دارد و این، نیاز به مطالعات و تحقیقات و

یک‌سری مباحثات دارد.

**حسن‌نیا:** اخلاق، اخلاص و پشتکار بهترین ویژگی‌ها برای راویانی است که می‌آیند خودشان را به نسل اول انقلاب وصل کنند. بایستی از آنها تجربه بگیرند و بدون کم‌وکاست این تجربیات را انتقال بدهند. اگر در تلاش این عزیزان اخلاص باشد، اگر نیت باشد و چشم‌داشتی هم نداشته باشند، خیلی خوب می‌توانند موفق و جایگزین خوبی برای راویان نسل اول باشند.

**ماندگاری:** پیشنهاد ما برای راویان جوان، بحث آموزش است. یک بخش از آموزش‌های ما عمدتاً بحث روشی است؛

ماندگاری: ما یک روایت جنگ داریم و یک روایت گنج. روایت جنگ این است که بیایم بگوییم که در چه سرزمینی عملیات کردیم ولی گنجینه دفاع مقدس همین فرمول‌های قرآن و روایت است.

جذاب است، چون من خودم در آن عملیات حضور داشتم و اگر حرفی می‌زنم خودم شاهد صحنه‌های جنگ بودم. بهتر است تا آنجایی که ممکن است از این بچه‌ها استفاده کنند. بیگی: خوشبختانه، روایت‌ها هر سال از سال قبل بهتر می‌شود، چون نواقص شناسایی می‌شود، ایرادها برطرف می‌گردد و با تدابیری که رؤسای محترم سازمان حفظ ارزش‌های دفاع مقدس و دوستان ارتش، سپاه و بسیج انجام می‌دهند، خداراشکر، خیلی از مشکلات مرتفع شده است و در سال‌های آینده اگر بتوانند زمینه اسکان خانوادگی زائران را فراهم کنند، خیلی خوب می‌شود.

**باقرزاده:** بحث اینکه چه کسی باید بیاید روایت بکند و چه چیزهای بگوید، مطرح است. چند صباحی خود بچه‌های جنگ و کسانی که اینجا استخوان خرد کرده و عرق ریخته بودند، ورود پیدا کردند. بعضاً آمدند از روایان جوان استفاده کنند و آمدند یک سری کلاس‌هایی برگزار کردند. اینجا خود مقام معظم رهبری وارد شدند و فرمودند که از پیشکسوتان جنگ و جهاد استفاده بشود. [در روایتگری به چند نکته باید توجه کرد:]

۱. تکلیف اول این است که

خود بچه‌هایی که روزگاری را [در این مناطق] گذرانده و کنار شهدا بودند، آنها روایت بکنند، چون خودشان صحنه‌ها را دیده‌اند، لمس کرده‌اند، درک کرده‌اند و واقف به کلیه مشکلات، قضایا و برنامه‌ها هستند.

۲. بحث بعدی بحث صداقت و سلامت کار بچه‌هاست که کسی که می‌آید، باید با خلوص نیت بیاید، صداقت در رفتار و گفتار داشته باشد، خدای نکرده [موضوعی را] تحریف نکند، زیاده‌گویی و کم‌گویی نکند، زیرا بعضی دوستان روی این قضیه اصرار دارند و می‌خواهند رشادت‌های بچه‌های ما را با گفتن واژه‌های بیان کنند و چون با واژه قادر به بیان

۷. به نظر شما، نقاط قوت و ضعف روایتگری روایان چیست؟

**رجایی:** اول، طولانی شدن روایت یک نقطه ضعف است. من فکر می‌کنم یکی از نقاط ضعف بعضی از بچه‌ها و روای‌های ما این باشد؛ یعنی نباید ما این کاروان‌ها را خسته کنیم؛ مثلاً بخواهیم از اول جنگ هر چه می‌دانیم را به خورد اینها بدهیم. من به این روش اعتقاد ندارم. روش خود من این است که خیلی کوتاه صحبت می‌کنم. ابتدا موقعیت آن منطقه را از نظر جغرافیایی تشریح می‌کنم، سپس به عملیات‌ها می‌پردازیم و بعد اگر اینها عاشق باشند و وقت داشته باشند یا اگر سوآلی داشته باشند، آنها را جواب می‌دهم، چون این طوری برای زائران بسیار شیرین‌تر است تا اینکه بخواهیم با اطاله کلام آنها را خسته بکنیم.

یک نقطه ضعف دیگر بدون مطالعه حرف‌زدن است؛ یعنی ما نمی‌توانیم فقط شنیده‌ها را اینجا عنوان بکنیم. بعضی‌ها خاطرات این طوری دارند می‌گویند؛ که حالا یا اطلاعاتی ندارند یا اطلاعاتشان ضعیف است. باید با مطالعه حرف بزنند. اگر حرفی را می‌زنند سند داشته باشند، چون بعضی‌ها دنبال سند هستند. یک مطلبی را که می‌گویید، باید بتوانید آن را ثابت کنید؛ حالا از قول یک فرمانده است، شهید است یا وصیت‌نامه است یا حتی از قول یک جانباز است.

متأسفانه گاهی اغراق هم می‌شود. شهدای ما اصلاً نیاز به غلو کردن ندارند. همانی که بودند را باید برای مخاطب بگوییم؛ یعنی اینکه بگوییم این شهید ما همیشه نماز شب می‌خواند و... نه، همه آنها این طوری هم نبودند؛ یک تعدادی شاخص در آنها بود که ما هر چه در موردشان بگوییم، کم گفتیم؛ مثلاً شهید برونسی را هر چه درباره‌اش حرف بزنیم، کم گفته‌ایم یا شهید زین‌الدین، شهید باکری یا شهید همت. ولی همه شهدا این طوری نبودند. نباید غلو کنیم و هر چه هست، همان را مطرح کنیم و این شیرین‌تر است. گاهی این موارد دیده می‌شود که از نقاط ضعف روایتگری است و ان شاء الله تدبیری بشود و رفع شود. به نظر من، استفاده از روایانی که در آن منطقه بودند، بسیار مؤثر است. من که در عملیات‌ها بوده و آتش دشمن را دیده‌ام اگر چه ممکن است اطلاعاتم یک‌سوم فردی باشد که دارد صحبت می‌کند، ولی برای مخاطب خیلی

رجایی: پیشنهاد من برای بهبود کار روایان این است که روایان حتماً آموزش داده شوند.

پیوند خورده مثل روضه‌خوانی امام حسین نمی‌شود متولی آن شد، ولی می‌شود آن را هدایت و حمایت کرد. اینجا هم همین‌طور است. چون همه‌اشار در جنگ بودند و همه‌اشار شهید دادند، همه‌اشار می‌توانند از جنگ و شهید بگویند، اما این را ما باید یاد بدهیم به همه. این را می‌توانیم فرهنگ‌سازی کنیم که همه‌اشار بیایند آنچه از جنگ دیده‌اند بگویند، نه کم کنند به قول حضرت آقا، نه زیاد. بدون کم و زیاد و بدون تحریف و حتی بدون برداشته‌های شخصی آنچه را از جنگ دیده‌اند، بگویند. اما انطباق مشاهداتشان با دین و استخراج تکلیف امروزی آن برعهده حوزه است و این را بگذارند تا حوزویان بیشتر ورود کنند. نه اینکه آنها نگویند، بلکه این بیشتر به‌عهده حوزه است. اینکه من بگویم آقا به بچه‌های ما به این دلیل در شلمچه این‌طور مقاومت کردند و حالا چون آنجا مقاومت کردند و شرایطشان آن‌طور بود، امروز در سال ۹۳ هم شرایط ما به گونه‌ای است که به همان دلیل که آنها مقاومت کردند ما هم مقاومت کنیم. یعنی ما می‌خواهیم انجام وظیفه دیروز را تبیین کنیم تا انجام وظیفه امروز روشن بشود؛ این کار بیشتر کار حوزه است. نمی‌گوییم کسی نگوید؛ این بیشتر تخصص حوزه است که ان‌شاءالله همه رعایت می‌کنند. من اعتقاد دارم فرهنگ جهاد و شهادت سلول‌های بنیادین دارد. من قائلم که شهید پروژه غیرتکراری هستند. خیلی جاها می‌گوییم شهید نه استثنا بودند نه عتیقه بودند، همچنان که پیغمبر هم بشری بوده مثل ما، امامان هم بشری بودند مثل ما. نمونه شهید را می‌توانیم در تمام‌اشار و در تمام جوان‌های امروز پیدا کنیم. اگر قائلم که اینها قابل تکرار هستند، پس باید سلول‌های بنیادین فرهنگ جهاد و شهادت را پیدا کنیم، فرمولیزه‌اش کنیم، به مردم بدهیم، راهکار را در بیاوریم. وقتی به مردم دادیم، مردم می‌توانند خیلی خوب از این فرمول مشابهش را در سیستم تربیتی درست کنند.

۸. چه موانع، مشکلات و محدودیت‌هایی در امر روایتگری وجود دارد؟

رجایی: تردید مخاطبان درباره بعضی وقایع؛ یعنی باور بعضی موضوعات برای آنها خیلی سخت است؛ اینکه بچه‌ها روی مین می‌رفتند و خط دشمن را می‌شکستند یا اینکه

گفتنش نیستند، می‌آیند آنها را به‌صورت قهرمانان افسانه‌ای مطرح می‌کنند و این برای خیلی‌ها پذیرفتنی نیست. بعضی از آنان شهدا را این‌قدر بالا می‌برند که زائر فکر می‌کند اینها فرشتگانی هستند که از آسمان‌های دیگری آمده‌اند.

۳. بعضی راویان، دشمن را این‌قدر بزدل و ترسو مطرح می‌کنند که فکر می‌کنند هنوز ما حرکت نکرده آنها تسلیم یا کشته شده‌اند. متأسفانه حقایق به‌درستی بیان نمی‌شود. حقیقت باید گفته بشود. می‌دانید هر حرکتی، هم تلخی دارد و هم شیرینی. برای کسی که اعتقادات و باورهایش براساس تکلیف است، فرقی نمی‌کند چه تلخ و چه شیرین باشد، زیرا کسی که به تکلیف عمل بکند، دیگر نتیجه‌گرا نیست. در بیان ما نیز همین است.

۴. ما نمی‌خواهیم عدم‌الفتح‌های خودمان را مطرح بکنیم و این خودش شاید یک جفایی هم در حق جوان امروز و هم در حق رزمندگان و شهدا باشد. ما در مسیر زندگی فرازونشیب داریم. این‌طور نیست که دائماً را به جلو حرکت بکنیم. بعضی وقت‌ها توقف داریم، بعضی وقت‌ها عقب‌گرد داریم. باید دقت بکنیم در توقف‌ها و عقب‌گردهای مان و مسیر را به جلو را پیدا کنیم. بچه‌ها امروز دارند الگو می‌گیرند، باید بدانند

بعضی وقت‌ها این قضایا هم اتفاق افتاده است. مهم این است که چطور بتوانند راه برون‌رفت از این بن‌بست‌ها را پیدا بکنند. اگر غیر از این باشد، جوانان می‌آیند خودشان را با آنها قیاس می‌کنند و می‌گویند آنها موفق بودند، خوش به‌حالشان! رفتند جلو و من که عقب افتادم، پس آدم بدبختی هستم و نمی‌توانم به آنها برسیم. این‌طور نیست. راویان باید صداقت داشته باشند و همه چیز را بگویند. تلخی و شیرینی جنگ را بگویند تا امروز این جوان به‌صورت درست بیاید بنشینند و تصمیم‌گیری بکنند.

ماندگاری: روایتگری شهدا چون با فرهنگ عاشورا

رجایی: متأسفانه گاهی اغراق هم می‌شود. شهدای ما اصلاً نیاز به غلو کردن ندارند. همانی که بودند را باید برای مخاطب بگوییم.



## نتیجه‌گیری

در خصوص بایدها و نبایدهای کار راویان باید گفت که راوی بایستی با تارو بود حقیقت جنگ و مفهوم جهاد و شهادت انس داشته باشد و از لابه‌لای وقایع، متناسب با مقتضیات زمان و حوادث منطقه و با در نظر گرفتن سطح مخاطبان، مطالبی را انتخاب و روایت کند. راوی باید به‌طور کلی با جغرافیا، پیشینه و سابقه عملیاتی منطقه، عملیات‌ها، عملیات‌های شاخص و شخصیت‌های فعال در این مناطق آشنایی داشته باشد.

شخصیت، عقاید و اندیشه‌های راوی هم در نوع روایت و بیان مطالب دخالت دارد. ضمن اینکه راوی بایستی باتوجه به اندوخته‌های خود و وضعیت منطقه، ترکیب مناسبی از اطلاعات جغرافیایی نظامی، سیاسی و عملیاتی جنگ و مباحث معرفتی را در اختیار مخاطبان قرار دهد تا برآنان اثر بگذارد. بعضاً راویان یا به دلیل فقر اطلاعاتی در زمینه‌های یادشده، یا به دلایل دیگر، مثل پررنگ کردن نقش فرد یا یگانی خاصی می‌کوشند روایت‌ها را به سمت مباحث معنوی، سبک زندگی شهدا، روایات حزن‌انگیز و بیان

باقرزاده: بعضی راویان، دشمن را این قدر بزدل و ترسو مطرح می‌کنند که فکر می‌کنند هنوز ما حرکت نکرده آنها تسلیم یا کشته شده‌اند. متأسفانه حقایق به درستی بیان نمی‌شود.

مطالب دور از واقعیت و مخدوش سوق دهند. راوی موفق، کسی است که سختی‌ها، زیبایی‌ها، فداکاری‌ها، مقاومت‌ها و ابعاد مردمی جنگ، برنامه‌ریزی‌های موفقیت‌آمیز فرماندهان شهید و رزمندگانی که در جنگ و عملیات‌ها تاثیرگذار بوده‌اند را با احساس توضیح می‌دهد و امروز و دیروز را در پرتو اسلام و مذهب و رهبری به هم متصل می‌کند.

باتوجه به مصاحبه‌های انجام شده می‌توان محورها و مباحث یک روایت را شامل موارد زیر دانست:  
۱. معرفی جغرافیای منطقه و تشریح اتفاقات رخ داده در آن جغرافیا

در عملیات‌ها به بعضی از بچه‌ها الهاماتی می‌شد - از جمله شهید برونسی - برای بعضی مخاطبان ما به سادگی این موارد قابل باور نیست. مشکلات دیگری هم برای خود ما راویان وجود دارد. شما ببینید، وقتی ما را در اینجا مستقر می‌کنند، اکثر بچه‌ها رزمنده هستند، جانباز و شیمیایی هستند، خب طبیعی است که اینها در هر شرایطی نمی‌توانند بخوابند یا هر غذایی را نمی‌توانند بخورند و توجهی به این موضوع نمی‌شود. یک مشکل دیگر راویان این است که ما خودمان باید برویم دنبال منابع بگردیم و از جیب شخصی خودمان هزینه کنیم. کسی ما را از نظر منابع و کتاب و از این جور موارد پشتیبانی نمی‌کند.

**بیگی:** خوشبختانه، وضعیت سال به سال بهتر و معایب برطرف می‌شود. تنها مشکل این است که ما دوست داریم کاروان‌هایی که برای زیارت به این مناطق می‌آیند، از تک‌تک برادران راوی سپاه، بسیج، جهاد و ارتش استفاده کنند؛ منتها بعضی کاروان‌ها شاید کم‌لطفی می‌کنند و می‌گویند که ما خودمان راوی همراه داریم و خیلی سریع می‌روند و من دوست دارم که از این عزیزان نهایت بهره را ببرند.

**حسن‌نیا:** مشکلی که الآن در بخش روایتگری وجود دارد، اختلاف سنی ما با نسل‌های دوم و سوم است که اینجا می‌آیند. مسلماً مشکلات خاص خودمان را داریم. نگاهی که فعلاً در کشور و در راهیان نور به روایتگری می‌شود این است که ما را به عنوان یک وسیله حساب می‌کنند. به عنوان کسی که به هر حال یک قطعه‌ای است و این قطعه باید کارش این باشد. دیگر نمی‌دانند که روایتگران ما سنشان از ۵۰ گذشته، جانباز هستند، شیمیایی هستند. برای ما مشکل است که هر روز بیاییم و برویم و مثل اینها غذا بخوریم. خب زائر می‌آید دو روز، سه روز، غذای روغنی می‌خورد و می‌رود، ولی من که می‌خواهم بیایم یک ماه اینجا بمانم، خب برایم سخت است. این است که باید غذای من یک مقدار ساده‌تر باشد. محل اسکان ما مناسب نیست؛ مثلاً تخت‌های ما را دو طبقه یا سه طبقه می‌گذارند و خوابیدن برای ما روی این تخت‌ها سخت است و مشکلات زیرساختی دیگری که روایتگران دارند.

۲. تشریح عملیات‌های منطقه.  
 ۳. اشاره به مقاومت رزمندگان در وضعیت‌های بسیار دشوار و به تصویر کشیدن رشادت‌ها و فداکاری‌های آنان.  
 ۴. بیان سیره شهدا و ولایت‌پذیری رزمندگان.  
 ۵. پرداختن به گنجینه دفاع مقدس و شهدا بر اساس آیات قرآن و روایات.

۶. نزدیک کردن مشترکات نسل اول با نسل‌های بعدی انقلاب و تقویت اشتراکات.  
 ۷. پرداختن به محورهای گنج جنگ شامل: دین‌دانی،

#### نقاط مثبت

موارد زیر نکات مثبت در امر روایتگری ذکر شده است:

- دسته‌بندی مطالب.
- مختصر و مفید بودن روایت.
- مستند صحبت کردن و داشتن مطالعه و دانش کافی برای روایت کردن.
- معقول و منطقی بودن روایات و پرهیز از اغراق و مبالغه.
- ذکر توانایی‌های دشمن علاوه بر تأکید بر حماسه‌های رزمندگان و توانایی‌های نیروهای خودی.
- بیان حوادث تلخ و شیرین جنگ.
- اشاره به پیروزی‌ها و شکست‌ها.
- بیان مطالب بدون کم‌وکاست و تحریف.

#### مشکلات راویان

راویان مشکلات عمده خود در مناطق عملیاتی را چنین ذکر کرده‌اند:

- تردید مخاطبان جوان درباره برخی وقایع رخ داده در عرصه جنگ.

۲. بی‌توجهی به وضعیت جسمی، سن و سال و شرایط روحی و روانی راویان.

۳. دسترسی نداشتن به منابع مطالعاتی و پشتیبانی ضعیف نهادهای مسئول در این زمینه.

۴. تمایل نداشتن برخی کاروان‌ها به استفاده از راویان استقراری در یادمان‌ها.

۵. نگاه ابزاری به راویان.

۶. شرایط اسکان نامناسب و وضعیت غذایی نامطلوب راویان.

دین‌داری و دین‌بانی.

۸. اشاره به ناگفته‌های جنگ.

#### پیشنهاد‌های بهبود کار راویان

مصاحبه‌شوندگان برای بهبود

کار راویان نکات زیر را مهم و تاثیرگذار ذکر کرده‌اند:

۱. برگزاری دوره‌های آموزشی.

۲. انتخاب افراد مشتاق، مخلص و ایثارگر.

۳. تأکید به راویان جهت تحقیق و مطالعه و به‌عبارتی، با مطالعه و

معلومات سخن گفتن.

۴. داشتن پشتکار و اخلاص عمل.

۵. ارتباط با نسل اول انقلاب.

۶. نظارت و ارزیابی کار راویان.

ماندگاری: روایتگری شهدا چون با فرهنگ عاشورا پیوند خورده مثل روضه‌خوانی امام حسین نمی‌شود متولی آن شد، ولی می‌شود آن را هدایت و حمایت کرد.

#### نقاط قوت و ضعف

##### نقاط ضعف

از نظر مصاحبه‌شوندگان موارد زیر از جمله موارد ضعف‌های در کار روایتگری محسوب می‌شود:

۱. طولانی شدن روایت‌ها که سبب خستگی مخاطبان می‌شود.

۲. مستدل و مستند نبودن گفته‌ها و صحبت کردن بدون مطالعه.

۳. غلو کردن در روایت‌ها.